

نباید گذاشت حق پناهندگی سیاسی از بین برود!

بهرام رحمانی

bamdadpress@telia.com

معضل پناهندگی و تبعید و مهاجرت در جهان، فارغ از دلایل مختلف از یک منطق واحد نشات می‌گیرد و آن ترک خانه و کاشانه و همه متعلقات انسانی خود و در جستجوی محل اقامت جدیدی است برای برخورداری از یک شرایط زیست و زندگی انسانی و بهتر. یعنی مکان جدیدی که در آن‌جا به سهولت از حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و انسانی برخوردار گردد.

کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان در سال ۱۹۵۱، براساس قطعنامه مصوب مجمع عمومی سازمان ملل، با دو هدف اساسی که عبارتند از حمایت از پناهندگان و ارائه راه‌حل‌های پایدار برای مشکلات آنان تاسیس شد. ارقام روزافزون پناهنده در سطح بین‌المللی و تغییرات ۶ دهه گذشته، این نهاد را به یکی از فعال‌ترین دفاتر سازمان ملل تبدیل کرد. وظایف و مسئولیت‌های دائمی در قبال پناهندگان را نیز در مقابل این نهاد قرار داد.

براساس کنوانسیون ۱۹۵۱ سازمان ملل در مورد رسیدگی به مسایل و مشکلات پناهندگان، پناهنده به کسی اطلاق می‌شود که به علت ترس از آزار و شکنجه و به دلایل ناشی از کشمکش‌های نژادی، مذهبی، ملی، عقاید سیاسی و یا عضویت در یک سازمان اجتماعی خاص از کشور خود گریخته و نمی‌تواند یا نمی‌خواهد به آن‌جا باز گردد.

اولین بار در جنگ جهانی دوم، جابه‌جایی نیروی انسانی برای دور شدن از چنگ و خشونت و پیگردهای سیاسی و اجتماعی در ابعاد جهانی مطرح شد و به شکل‌گیری افکار عمومی دفاع از حقوق فردی و اجتماعی انسان‌ها و تصویب قوانینی در این مورد منجر گردید. بدنبال این تجربه جهانی و جابه‌جایی جمعیت عظیمی که در قبل و پس از جنگ جهانی رخ داد، همچنین دو قطبی شدن جهان، جامعه جهانی برای اولین بار تصمیم گرفت حقوقی را برای افرادی که از کشور خود به دلایل سیاسی و اجتماعی و جنگ و غیره می‌گریزند، تعریف کند. حاصل این تجارب و تلاش‌ها در این راستا، تدوین منشوری بود به نام «حقوق پناهندگان» که برای اولین بار سازمان ملل متحد مجری آن شد.

فروپاشی شوروی و از بین رفتن دو قطبی جهان و تلاش ایالات متحده آمریکا برای سلطه و یکه تازی در جهان بسیار از دستاوردهای گذشته که در اثر مبارزه کارگران و مردم آزادی‌خواه و برابری‌طلب به دولت‌ها تحمیل شده بود، توسط همین دولت‌ها زیر سؤال رفت، حقوق سوسیالی، بیمه‌های اجتماعی، بیمه بیکاری و غیره از جمله کنوانسیون حقوق پناهندگان نیز به ویژه پس از یازده

سپتامبر ۲۰۰۱، نادیده گرفته شد. پذیرش پناهندگان سخت‌تر گردید و بسیاری از پناهندگان قربانی اهداف اقتصادی و سیاسی و دیپلماتیک دولت‌ها شدند. همین سیاست‌های راست دولت‌های به اصطلاح پناهنده‌پذیر سبب شد که جریان‌ات راسیستی و ضدپناهندگی نیز گسترش یابد و در بسیاری از کشورها احزاب و سازمان‌های راست و نژادپرست با شعارهای ضدپناهندگی راه به پارلمان‌ها یافتند. کمپ‌های پناهندگی در اسکاندیناوی و اروپا به آتش کشیده شد. حتا در برخی موارد در اثر حملات راسیستی تعدادی از پناهندگان جان خود را از دست دادند.

بدنبال فروپاشی شوروی، جنگ‌های خونینی در جمهوری‌های تازه به استقلال رسیده راه افتاد. جنگ‌های ملی و مذهبی و قومی از اروپا تا آفریقا شعله‌ور گردید. در رواندا، نزدیک به یک میلیون انسان قتل‌عام شدند؛ یوگسلاوی سابق از هم پاشید و قتل‌عام‌های هولناکی صورت گرفت. افغانستان و عراق توسط آمریکا و متحدانش اشغال گردید. رژیم‌های دیکتاتوری از نوع جمهوری اسلامی، با سرکوب‌های سیاسی، هم‌چنان به تهدید و ترور و شکنجه و اعدام خود ادامه می‌دهند. همه این وقایع خشونت‌بار سیاسی، نظامی و اجتماعی سبب گردیده است که سیل پناهندگی و پناه‌جویی جریان پیدا کند. وجود پناهجویان در اقصی نقاط جهان، ریاکاری و تناقض سیستم بورژوازی جهانی را مبنی بر برقراری دموکراسی، عدالت و صلح به نمایش می‌گذارد.

دولت‌های به اصطلاح دموکراتیک غرب، در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند قوانین جهان‌شمول کنوانسیون ۱۹۵۱ سازمان ملل در امور پناهندگان را زیر پا بگذارند و دیوارهای غیرقابل نفوذی در مقابل پناهجویان قرار دهند. در این راستا کشورهای عضو اتحادیه اروپا برنامه‌های خود را در قالب برنامه هوگا (برنامه کاهش مهاجرت و امنیت مرزها) تنظیم کرده‌اند. وزرای کشورهای اتحادیه اروپا که در لوکزامبورگ گردهم آمدند در پنجم نوامبر عملکرد پنج ساله سیاست مهاجرت و امنیت مرزها را بررسی کردند و در همین راستا برنامه‌ای جدید به نام «هوگا» را طراحی کرده و تصمیم‌گیری کردند. تمامی ۲۵ عضو این اتحادیه اعلام کردند که برنامه‌های امنیت مرزی را به اجرا خواهند گذاشت، اما انگلیس این برنامه را نپذیرفت و مسئولان آن اعلام کردند انگلیس حق دارد تا آنچه را که با منافع داخلی آن منافات دارد، رد کند. با اتکا به این قوانین ضدپناهندگی، همه کشورهای اروپایی و حتا کشورهایی که عضو این اتحادیه نیستند مانند کانادا و استرالیا و آمریکا نیز به طور چشم‌گیری پذیرش پناهندگی را پایین آورده‌اند و پناهجویان را در شرایط سخت قرار داده‌اند. گفته می‌شود که سالانه ۵۰۰ هزار مهاجر وارد اروپا می‌شوند و هر یک از این افراد مبالغی بین ۱۶۰۰ تا ۲۰ هزار یورو پرداخت می‌کنند که سالانه ۲/۵ میلیارد یورو درآمد نصیب گروه‌های قاچاقچیان می‌شود. سالانه تعداد زیادی از پناهجویان در دریا غرق می‌شوند و یا با تیراندازی مأمورین مرزی جان می‌بازند. خودکشی و ناراحتی‌های روحی و روانی نیز عوارض دیگر سیاست‌های ضدپناهندگی است.

اساساً موضع کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، در زمینه پیشینه و فرهنگ متقاضی، سیاستی بدون تبعیض است. رسیدگی به تقاضای پناهندگی بدون در نظر گرفتن فرهنگ، قوم، نژاد، باورهای سیاسی و غیره باید صورت گیرد. در غیر این صورت کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان همان سیاستی را اعمال می‌کند که با متقاضی پناهندگی در کشورش می‌کنند.

برای مثال ۱۲۰۰ پناهجوی کرد ایرانی طی سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲، به دلیل مشکلات امنیتی و تهدید مداوم عوامل جمهوری اسلامی، مشکلات تامین زندگی روزمره و تعطیلی دفاتر سازمان ملل در سلیمانیه و اربیل، با مشکلات زیادی و در وضعیتی بس خطرناک کوه‌ها و دشت‌ها و سرما و گرما و میدان‌های مین و کمین مامورین مرزی را پشت سر گذاشته و خود را به ترکیه رسانده و از دفتر کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در شهر وان، تقاضای پناهندگی کرده‌اند، همواره با تبعیض آشکار این کمیساریا مواجه شده‌اند. این پناهجویان تحت پوشش حمایت اقتصادی، پزشکی و امنیتی مداوم دفتر «یوان» قرار نمی‌گیرند و یا اسامی آن‌ها در لیست کشورهای پناهنده‌پذیر قرار داده نمی‌شود، در حالی که دیگر پناهجویانی که از ایران می‌آیند، پس از طی مراحل از سوی «یوان» به عنوان پناهجو پذیرفته می‌شوند و تحت حمایت و پشتیبانی هر چند ناچیز «یوان» نیز قرار می‌گیرند. همچنین اسامی آن‌ها در لیست کشورهای پناهنده‌پذیر قرار داده می‌شود. این سیاست دفتر کمیساریای سازمان ملل در امور پناهندگان در ترکیه، آشکارا مغایر با اهداف جهان‌شمول خودش است. چنین سیاستی قبل از این که حق و حقوق پناهنده را مدنظر داشته باشد، سیاست‌های غیرانسانی دولت‌ها را مدنظر دارد. در چنین شرایطی وظیفه هر انسان و جریان آزادی‌خواه این است که از هر طریق ممکن، به حمایت از این پناهجویان برخیزد و به سیاست‌های تبعیض‌آمیز کمیساریای عالی پناهندگان ترکیه و فشارهای پلیسی دولت ترکیه اعتراض کند.

«یوان»، در ژانویه ۲۰۰۴، درخواست پناهندگی سیاسی این پناهجویان را پذیرفت و در ماه مه ۲۰۰۴، آن‌ها را از شهر «وان» به ۱۶ شهر مرکزی ترکیه در اطراف آنکارا منتقل کرد. اما بر خلاف قوانین کنوانسیون ژنو، «یوان» تاکنون از هر گونه کمک مادی مداوم و اقدام جهت اسکان دادن آن‌ها، قرار دادن پرونده آن‌ها در اختیار نمایندگی‌ها کشورهای پناهنده‌پذیر خودداری کرده است. در این سه چهار سال فقط سه یا چهار بار هر بار نیز مبلغی معادل ۱۰۰ هزار تومان ایران به آن‌ها کمک کرده است. یا این که در مواقع اورژانس مبلغ ناچیزی برای درمان پناهجویان پرداخت کرده است. در حالی که هر فرد به عنوان پناهنده سیاسی از سوی «یوان» پذیرفته می‌شود قانوناً باید برای اسکان و کمک‌های مالی مستمر و پیگیری انتقال آن‌ها به کشور ثالث اقدامات لازم را به عمل آورد. این سیاست «یوان» و تهدید پلیس به دیپورت آن‌ها به کردستان عراق و ایران، این پناهجویان و خانواده‌های آن‌ها را در معرض انواع و اقسام بیماری‌ها و فشارهای روحی و روانی و آسیب‌های

اجتماعی قرار داده است. طبق بند ششم ماده ۴۹۶ اقامت خارجیان در ترکیه، کار پناهجویان ممنوع است، زیرا تامین مایحتاج پناهجویان بر عهده کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل است. مسئولین «یوان»، ادعا می‌کنند که این پناهجویان باید در کردستان عراق می‌ماندند و ورودشان به ترکیه «غیرقانونی» است. با این وجود حتی هر بار در مقابل اعتراض پناهجویان دفاتر «یوان» در ترکیه و یا فشارهایی که در کشورهای غرب توسط احزاب و تشکل‌های پناهندگی به دفاتر «یوان» وارد می‌شود وعده‌هایی می‌دهند اما تاکنون به این وعده‌ها نیز عمل نکرده‌اند.

۴۷ نفر از این پناهجویان حدود ۴۰ روز در اعتصاب غذا بودند. تعدادی از آن‌ها در حالت اغما به بیمارستان منتقل شدند. با قول‌هایی که «یوان» آنکارا به آن‌ها داد تا به خواسته‌هایشان رسیدگی کند و با درخواست احزاب و فعالین سیاسی، این پناهجویان به طور موقت به اعتصاب غذای خود پایان دادند. البته اعتصاب غذا به دلیل این که به وجود انسان لطمات غیرقابل جبرانی وارد می‌کند شیوه مناسبی نیست، اما طبیعی است هنگامی که تعدادی از مبارزین برای پیشبرد خواسته‌های بر حق خود دست به اعتصاب غذا می‌زنند قاعدتا باید مورد حمایت و پشتیبانی قرار گیرد.

اکنون در حمایت با ۱۲۰۰ پناهجوی کرد و ایرانی در ترکیه، که بیش از ۷۰۰ نفر آن‌ها را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند، کمپینی با جمع‌آوری طومار، برگزاری جلسات پالتاکی، جمع‌آوری کمک‌های مالی، انعکاس آن از طریق رادیوها و تلویزیون‌ها، راه انداختن یک سایت اینترنتی و تماس با دفاتر «یوان»، امنستی انترناسیونال، سازمان جهانی کودک، وکلای بدون مرز، اتحادیه اروپا، احزاب و سازمان، اتحادیه‌های کارگری، نهادهای بین‌المللی انسان‌دوست و غیره در کشورهای غرب و ترکیه در جریان است. مهم‌ترین خواست این پناهجویان رفع تبعیض دفاتر «یوان» در آنکارا و وان ترکیه، و اجرای وظایف خود در قبال و پناهجویان است.

لازم به تاکید است که این پناهجویان انسان‌های مبارز و آزادی‌خواهی هستند که سال‌ها در صفوف اپوزیسیون جمهوری اسلامی مبارزه کرده و هنوز هم در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی و برپایی یک جامعه آزاد و برابر، مرفه و انسانی در ایران مبارزه می‌کنند، اگر به ایران دیپورت شوند با خشونت و وحشی‌گری و زندان و شکنجه و اعدام جمهوری اسلامی روبه‌رو خواهند شد. بنابراین وظایف سیاسی و اجتماعی و انسانی حکم می‌کند که اپوزیسیون جمهوری اسلامی و فعالین سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از هر طریقی که خودشان صلاح می‌دانند و برایشان امکان‌پذیر است به حمایت و پشتیبانی از این عزیزان برخیزند. قطعاً اگر مطالبات این پناهجویان به «یوان» و دولت ترکیه، تحمیل شود، راه پذیرش پناهندگی برای دیگر پناهجویان در این کشور نیز هموار خواهد شد.

بدین ترتیب کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو و حق و حقوق پناهندگی سیاسی و اجتماعی، قوانین جهان‌شمولی است که باید از آن حمایت کرد و نگذاشت این قوانین مورد مصالحه و معامله دولت‌ها و بی‌تفاوتی کمیساری عالی پناهندگان سازمان ملل قرار گیرد.

اکنون بسیاری از پناهجویان در کشورهای همجوار ایران و بسیاری از کشورهای دیگر گرسنه و خسته و بیکار زندگی سختی را می‌گذرانند و برای یک لقمه نان از سر ناچاری ممکن است به هر آسیب اجتماعی تن بدهند. چنین زندگی جهنمی شایسته هیچ انسان نیست و حق و حقوق اقتصادی، سیاسی و اجتماعی پناهجویان توسط دولت‌های دیکتاتوری و دولت‌های سرمایه‌داری به اصطلاح دمکراتیک پناهنده‌پذیر زیر پا گذاشته می‌شود.

البته واضح است که دولت‌های پناهنده‌پذیر همواره سیاست‌های خود را با موقعیت نیروی کار هماهنگ می‌کنند، اکنون که بیکاری در اروپا و آمریکا وجود دارد و فعلاً نیازی به نیروی کار ارزان پناهجویان نیست، درهای خود را به روی پناهجویان می‌بندند و سیاست‌های پناهنده‌پذیری خود را نیز هر چه بیش‌تر سخت می‌کنند. تنها با همبستگی و مبارزه خود پناهجویان و با حمایت احزاب و سازمان‌های چپ و کمونیست و انسان‌دوست و آزادی‌خواه، فعالین سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، اتحادیه‌های کارگری و نهادهای مدافع حقوق بشر می‌توان از حق پناهندگی دفاع کرد؛ آن را به دولت‌ها تحمیل نمود و نگذاشت حق پناهندگی سیاسی از بین برود!

۱۵ ژوئیه ۲۰۰۵

* برگرفته از جهان امروز شماره ۱۵۳